

بررسی رابطه مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی

داود حسین پور^۱، رامین صدیقی^{۲*}

^۱دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
^۲کارشناس ارشد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (عهده‌دار مکاتبات)
تاریخ دریافت: مهر ۱۳۹۶، اصلاحیه: آبان ۱۳۹۶، پذیرش: آذر ۱۳۹۶

چکیده

تأکید رهبر انقلاب بر مقوله‌های اقتصاد مقاومتی، مدیریت جهادی و دانش‌بنیان کردن اقتصاد در سالیان اخیر به روشنی حکایت از اهمیت حیاتی این مباحث در مسیر حرکت انقلاب دارد. هدف این پژوهش بررسی رابطه مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها توصیفی و از حیث ارتباط بین متغیرهای تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد. در این پژوهش مدیریت دانش و مدیریت جهادی را به عنوان متغیرهای مستقل و اقتصاد مقاومتی را به عنوان متغیر وابسته بررسی کردیم. ابعاد مدیریت جهادی، مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی، با استفاده از مبانی نظری موجود انتخاب شده و از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات که در میان ۶۰ نفر از کارآفرینان و صنعتگران شهرک صنعتی پروفیسور هشترودی، واقع در شهرستان هشترود توزیع شده، استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. خروجی‌های تحلیل نشان می‌دهد که مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی دارای رابطه مثبت و معناداری می‌باشد. همچنین مدیریت جهادی، با فراگردهای اصلی احساس مسئولیت، رعایت تقوا، فرهنگ کاری و وجدان کاری، همبستگی بالاتری را با اقتصاد مقاومتی در مقایسه با مدیریت دانش از خود نشان داد. با توجه به نتایج پژوهش فرضیه‌های اصلی و فرعی پژوهش تأیید شدند.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، مدیریت جهادی، مدیریت دانش

۱- مقدمه

نیست؛ این رویکرد نگرشی راهبردی در اقتصاد ایران دارد و یک اقدام فراگیر و همیشگی را شامل می‌شود. این تعریف با تکیه به سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد [۱۶]. اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرها می‌باشد و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است [۱۲]. طبق نظر دولتمردان ایران در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز است [۱۲].

رهبر معظم انقلاب، مدیریت جهادی^۲ را نوعی روحیه و فرهنگ مبارزه‌جویی و کنشگری آگاهانه، معنا و تفسیر می‌کنند [۱۲]. بنا به تعبیر مقام معظم رهبری اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور در شرایط کنونی فشارهای خباثت‌آمیز قدرتهای جهانی، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد [۱۲]. از این رو با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، انسانی، مکانی، زمانی، منابع اطلاعاتی، روانی، ظرفیت‌های ترویجی و تبلیغی می‌توان به رشد و توسعه اقتصادی در جامعه کمک کرد [۲]. رهبر انقلاب اسلامی شرط اصلی برای تحقق اقتصاد مقاومتی را

اصطلاح اقتصاد مقاومتی^۱ پس از تشدید تحریم‌های یک‌جانبه و غیرانسانی غرب علیه ایران در سال‌های اخیر، توسط مقام معظم رهبری برای نخستین بار در دیدار با کارآفرینان مطرح شد و هدف آن استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم‌ها با ایجاد کمترین بحران است [۱۲]. مقام معظم رهبری سرانجام در بهمن ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ و تأکید کردند که پیروی از الگوی عملی و بومی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی، عامل شکست و عقب‌نشینی دشمن در جنگ تحمیلی اقتصادی علیه ملت ایران خواهد شد و اقتصاد مقاومتی خواهد توانست در بحران‌های رو به افزایش و خارج از اختیار جهانی مانند بحران‌های مالی، اقتصادی و سیاسی با تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق کند و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد [۸]. در واقع اقتصاد مقاومتی، به عنوان الگوی اقتصادی بومی و علمی و برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی تعریف شده است. به این ترتیب می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه‌مدت و هله‌های و اقدامی صرفاً تدافعی

2- Jihadi Management
*Rsadeighi@yahoo.com

1- Resistive Economy

می‌باشد، انجام دهند. ضرورت این پژوهش در راستای پرکردن بخشی از خلاء دانش موجود در این حوزه در ایران کاملاً مشهود است. از این رو، محققان در این پژوهش با هدف تبیین رابطه بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی هستند که آیا بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی رابطه معنادار وجود دارد؟

۲- ادبیات و پیشینه تحقیق

۲-۱ اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی انگاره‌ای است که مقام معظم رهبری پس از تحریم‌های یک‌جانبه سال ۲۰۱۲ میلادی که اردوگاه غرب علیه ایران وضع کرد، مطرح نمودند. پیام اصلی این انگاره این است که وابستگی اقتصادی کشور به نفت کاهش یابد تا اینکه غرب نتواند از این ضعف استفاده کند و به منافع جمهوری اسلامی ایران ضربه بزند. در واقع، اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل می‌گیرد تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند. در اقتصاد مقاومتی، به فعالیت‌های اقتصادی همچون جهاد می‌نگریم؛ اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سوی مصرف بهینه مدنظر است و توجه زیادی به تحقیقات کاربردی می‌شود [۱]. اگر چه واژه اقتصاد مقاومتی اصطلاح جدیدی است و بار ارزشی در فرهنگ دینی دارد؛ اما مفاهیم در این زمینه و اعمال و اقداماتی برای مقاومت در حوزه‌های گوناگون به ویژه در حوزه اقتصاد در دنیا بی‌سابقه نیست. در ادبیات اقتصادی مفاهیمی مثل "اقتصاد مقاومت" و یا "قدرت اقتصادی" [۴]، فراوان وجود دارد. در واقع همه کشورهایی که به نوعی جنگ یا بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را تجربه کرده‌اند و برای توسعه، شرایط سختی را گذرانده‌اند اقتصاد خود را بر مبنای مقاومت برنامه‌ریزی کرده‌اند [۴]. اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی طوری باشد که در برابر ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های گوناگون خواهد بود کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند [۱۲].

امروزه جمهوری اسلامی در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که تاکنون چه در عرصه‌ی نظر و در کتاب‌های درسی و چه در عرصه‌ی عمل و تجارب بشری مشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است. بنابراین خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که غلم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این

عزم راسخ و جدی و پرهیز از سهل‌انگاری و راحت‌طلبی و تکیه بر مدیریت جهادی برشمرند و تأکید کردند: مدیریت جهادی عبارت است از توکل بر خداوند و استفاده از تدبیر و عقلانیت و در عین حال پیش‌بردن کارها با عزم راسخ و بدون هراس از جوانب [۱۲]. با اتکا به مدیریت جهادی و مدیریت دانش^۳، می‌توان به میزان قابل توجهی از هزینه‌های بانی و تبعی اقدامات را کاهش داده و در عرصه اقتصاد مقاومتی شاهد پیشرفت‌های قابل توجهی باشیم. در همین امتداد، یکی از کارکردهای تلاش برای تبیین این مفهوم، پاسخگویی سریع و غیرانفعالی به تغییرات محیطی است. این امر، نیازمند انعطاف‌پذیری و سرعت عمل بالا است؛ این سرعت عمل از توانمندی سازمان‌ها در خلق، حفظ و به کارگیری دانش در جهت گسترش توانمندی‌های منحصر به فرد ناشی می‌شود. به دلیل نقش غیر قابل انکار دانش جدید در بقا و رشد سازمان، گاه دانش خلق شده اهمیتی بسیار بیشتر از دانش موجود می‌یابد [۳۴]. سازمان‌های امروزی، برای حفظ مزیت‌های رقابتی خود، نیازمند بهنگام نگه داشتن دانش خود هستند. نیل به این هدف تنها با ایجاد یک سیستم مدیریت دانش پویا امکان‌پذیر است [۲۱].

مدیریت دانش به فرایند سیستماتیک و منسجم هماهنگ‌سازی فعالیت‌های گسترده سازمان، شامل کسب، خلق، ذخیره‌سازی، تسهیم و کاربرد دانش به وسیله افراد و گروه‌ها برای تحقق اهداف سازمانی اشاره دارد [۵۱]. مدیریت دانش فرایندی پیچیده است که پیاده‌سازی آن یک شبه انجام نمی‌شود. اجرا و کاربرد مؤثر مدیریت دانش به درکی دقیق و شفاف از عواملی نیاز دارد که بر فرایند مدیریت دانش تأثیر می‌گذارند [۶]. عواملی نظیر بهسازی فراگردها، رشد پایدار، انعطاف‌پذیری در برخورد با محیط، جلب رضایت مشتریان، بهبود کیفیت محصولات و خدمات و افزایش بهره‌وری منابع، جهانی‌شدن و کوچک‌سازی دولت‌ها می‌طلبد که توجه ویژه‌ای به مدیریت دانش به عمل آید [۳۴]. در سازمان‌هایی که بر مبنای اقتصاد دانش‌محور شکل می‌گیرند، کاربرد دانش به عنوان عامل اصلی تولید و سوددهی مطرح شده و بیش از سرمایه، مواد خام و حتی نیروی انسانی ایفای نقش می‌کند. از سوی دیگر با توجه به تغییرات مداوم در عرصه علم و نوآوری، دانسته‌ها پس از مدتی ارزش خود را از دست می‌دهند و سازمان باید در تکاپوی خلق دانشی جدید باشد [۴۵]. آنچه تاکنون از سوی رهبر معظم انقلاب درباره اقتصاد مقاومتی بیان شده است، ضرورت توجه به مفاهیم دانشی و اقتصاد بنیان را نشان می‌دهد [۳۴]. بر این اساس، مدیریت دانش و مدیریت جهادی، متغیرهای مهم و مؤثری در تولید دانش و تولید ثروت مبتنی بر دانش‌اند که تاکنون در بستر اقتصاد مقاومتی مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند. همچنین با اهمیت و تأکیدی که مقام معظم رهبری در چند سال اخیر به اقتصاد مقاومتی، مدیریت جهادی و مدیریت دانش داشته‌اند و همچنین نامگذاری سال‌ها با عنوان اقتصاد مقاومتی، محققان را بر آن داشت تا پژوهشی را در ارتباط با این موضوع در شهرک صنعتی پروفیسور هشترودی واقع در شهرستان هشترود که به عنوان بستر مهمی برای عمل و تحقق اقتصاد مقاومتی

برخوردار است که جلوه‌ای از نظم اقتصاد اسلامی را ترسیم می‌کند [۸]. اقتصاد مقاومتی سیستمی است که درصدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانون‌مندی رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد [۷]. اقتصاد مقاومتی عبارت است از: توان یک کشور برای مقابله با فشارهای اقتصادی تحمیل شده از سوی کشورهای دیگر و یا مقابله با شرایط به وجود آمده در سطح بین‌المللی که رشد اقتصادی را با مشکل مواجه ساخته است [۲۲]. اقتصاد مقاومتی فرایندی فرصت‌آفرین و دوراندیشانه در جهت تأمین معیشت اعتدالی، همراه با نظارت همه جانبه بر چالش‌هاست [۱۶].

۲-۱-۱/ ابعاد اقتصاد مقاومتی

با توجه به بیانات مقام معظم رهبری درباره اقتصاد مقاومتی و بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با اقتصاد مقاومتی، می‌توان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را تبیین نمود که عبارتند از:

- مردمی نمودن اقتصاد: اقتصاد، زمانی واجد توان پایداری و مقاومت فوق‌العاده می‌گردد که محوریت آن توده‌های مردمی باشند. مقصود از مردمی کردن اقتصاد در گام اول، حساس کردن مردم به اقتصاد و سپس درگیر نمودن آنان به عنوان مصرف‌کننده‌ای فعال در اقتصاد است. در گام‌های بعدی درگیر کردن مردم به عنوان تولیدکننده و توزیع‌گر فعال و مهم‌تر از همه دخالت دادن مردم در توسعه کشور و رقم زدن توسعه مشارکتی قرار دارد [۲۷]. ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیابند در وسط میدان اقتصادی. تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست [۱۲]. اقتصاد مقاومتی ماهیتاً اقتصادی مردمی است، اگر قرار باشد نهادسازی‌های موازی در اقتصاد مقاومتی صورت پذیرد، هیچ لزومی ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد، بلکه ضروری است که مردم وارد این عرصه شوند تا از ورود رانت‌خوارها به اقتصاد جلوگیری کنند [۲۹]. مردمی‌سازی اقتصاد با مفاهیمی چون، نقش‌آفرینی بخش خصوصی و تعاونی‌ها، الزام همکاری دو جانبه مردم و مسئولان برای تحقق پیشرفت اقتصادی، اطلاع‌رسانی و نقد وضعیت موجود اقتصاد ملی، همراه می‌باشد [۱۴]. مسأله اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزء الزامات اقتصاد مقاومتی است [۱۲].

- کاهش وابستگی به نفت: کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است. اگر تلاش بر این باشد که فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین نفت شود، بزرگ‌ترین حرکت مهم در زمینه اقتصاد انجام شده است. صنایع دانش‌بنیان می‌تواند خلأ ناشی از نفت را تا میزان زیادی پر کند [۱۲]. فرآورده‌های این شرکت‌های دانش‌بنیان علاوه بر تأمین نیازهای داخلی کشور می‌تواند قابلیت صادرات داشته باشند و بازارهای منطقه‌ای را به دست بگیرد [۳۹]. برخی از سیاست‌هایی که در این خصوص می‌توان مطرح نمود، عبارتند از:

مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است. ابتدا لازم است که یک تبیین و تعریف علمی از اقتصاد مقاومتی ارائه شود. اقتصاد مقاومتی را می‌توان چهارگونه تعریف نموده و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه‌ی آنها را در کشور به عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد [۱۳].

- اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد موازی»^۵: یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد، پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم.

- اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد ترمیمی»^۶: یعنی اقتصادی که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. در این رویکرد به دنبال آن هستیم که با بازتعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند.

- اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد دفاعی»^۷: این رویکرد، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافندشناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و براساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم.

- اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد الگو»^۸: در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود [۱۳].

اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و در واقع اولویت‌ها و بایسته‌های اقتصادی است که بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و متناسب با شرایط بومی اقتضانات تاریخی تعریف شده است. مقام معظم رهبری در تبیین ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی تأکید می‌کنند که این مجموعه سیاست‌ها از ویژگی‌های آرمانی بودن، مبتنی بر قانون اساسی و سند چشم‌انداز بودن، عدالت‌بنیان بودن و برآمدن از فرهنگ انقلابی و اسلامی

5- Parallel economy
6- Restorative economy
7- Defense Economics
8- Template economy

جایگزینی درآمدهای جاری به جای نفت، مانند مالیات و درآمدهای ترانزیتی و متکثر نمودن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چندین شریک کوچکتر [۳۰]. هم‌چنین می‌توان ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در حوزه گردشگری را گسترش داد و این می‌تواند یکی دیگر از مواردی باشد که جایگزین ذخایر زیرزمینی شود [۳۹].

اصلاح الگوی مصرف و پرهیز از اسراف (مدیریت مصرف): مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بلاشک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است. یک بعد دیگر این مسأله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف، استفاده از تولید داخلی است [۱۲]. در سال ۱۳۸۸ اصلاح الگوی مصرف به عنوان شعار سال انتخاب شد و در راستای تعریف ذکر شده برای اقتصاد مقاومتی، می‌توان اصلاح الگوی مصرف را یکی دیگر از جنبه‌های مهم اقتصاد مقاومتی برشمرد. چرایی این موضوع را می‌توان به این صورت بیان کرد که یکی از ابتدایی‌ترین و اصولی‌ترین مبانی علم اقتصاد «کمبود منابع» است. به عبارت دیگر، علم اقتصاد علم استفاده‌ی بهینه از امکانات و منابع محدود در راستای ارضای نیازهای نامحدود بشری است [۳۴]. اصلاح الگوی مصرف که به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است، سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت است. شناخت و تحلیل الگوی مصرف ملی، از آن رو مهم است که ما را در جهت‌گیری و سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی یاری می‌کند؛ زیرا مصرف، بخش اصلی اقتصاد هر کشوری است. آنچه بر اصلاح الگوی مصرف و دستیابی به فرهنگ بهینه مصرف در کشور دارای اهمیت است، این است که اصلاح الگوی مصرف نیازمند تبیین استراتژی و تعیین خط‌مشی است که طی آن، این اصل به یک شعار تغییر ماهیت ندهد. در واقع لازمه دستیابی به این مهم در کشور، خیزش و حرکتی عمیق از سوی مسئولان و همه‌آحاد جامعه می‌باشد [۱۲]. آنچه که رهبر فرزانه انقلاب بر آن تأکید می‌ورزند، این است که «همه ما به خصوص مسئولان قوای سه‌گانه، شخصیت‌های اجتماعی و آحاد مردم باید در مسیر تحقق این شعار مهم، حیاتی و اساسی، یعنی اصلاح الگوی مصرف در همه زمینه‌ها، برنامه‌ریزی و حرکت کنیم تا با استفاده صحیح و مدبرانه از منابع کشور، مصداق برجسته‌ای از تبدیل احوال ملت به نیکوترین حال‌ها، ظهور و بروز یابد» [۱۲].

حمایت از تولید ملی: یک رکن دیگر اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ صنعت و کشاورزی. واحدهای کوچک و متوسط را فعال کنید. البته خوشبختانه واحدهای بزرگ ما فعالند، خوبند و سوددهی‌شان هم خوب است، کارشان هم خوب است... لیکن باید به فکر واحدهای متوسط و کوچک باشید؛ این‌ها خیلی مهم است، این‌ها در زندگی مردم تأثیرات مستقیم دارد [۱۲]. یکی از مفاهیم اساسی در ادبیات اقتصادی این است که واردات یعنی ایجاد اشتغال برای نیروی کار خارجی و صادرات یعنی ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی. این سخن نیز در راستای تعریف

اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد [۳۴]. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را آنچنان که شایسته آن است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید بخش عمده‌ای از تلاش‌های دشمن ناکام خواهند ماند. پس بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است» [۱۲]. حمایت از تولید داخلی و حمایت از سرمایه‌گذار و کارگر داخلی سبب می‌شود توسعه پایدار، مقدمه‌ای برای تبدیل تولیدات داخلی به محصول با کیفیت که در درجه نخست برای مصرف کشور و در درجه بعدی برای یک تولید صادرات محور باشد و زمینه‌ساز تبدیل ایران به یک قدرت اقتصادی شود [۳].

روح خودباوری و خوداتکایی: روح خودباوری و خوداتکایی سبب می‌شود انسان هر آنچه نیاز اقتصادی است، برآورده سازد و با آبادانی و تولید و تصرف در جهان مادی، آن را برای آسایش جامعه مورد بهره‌برداری قرار دهد. این گونه است که آستانه تحمل جامعه نسبت به فشارهای سلطه‌گران مستکبر افزایش می‌یابد و امکان تسلط به آنان را نمی‌دهد [۱۲]. یکی از پایه‌های شکل‌گیری کاری اقتصادی، داشتن روحیه خودباوری است. انسانی که خود را باور کند و به خود اعتماد کند، نه تنها نیازهای اقتصادی در آن زمینه را برطرف می‌کند؛ بلکه می‌تواند موجب خلق شگفتی‌های جدید اقتصادی شود. صحیح است که روح خودباوری، عامل حرکت‌دهنده قوی و رو به جلویی است که جرعه اقتصادی در ذهن افراد می‌زند، اما این تحرک و پویایی باید همواره در ادامه راه وجود داشته باشد که این ادامه‌دهنده، همان روح خوداتکایی است. هیچ‌گاه نباید از پا نشست؛ زیرا خلق کارهای بزرگ اقتصادی، روح بزرگ خوداتکایی را می‌طلبد [۳۹].

اقتصاد دانش‌بنیان: یک مسأله دیگر در سرفصل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است [۱۲ و ۳۴]. مؤثرترین مؤلفه اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است. اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی است که براساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته است و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه خاص قرار می‌گیرند [۳۷]. با توجه به اینکه در اقتصاد دانش‌بنیان، تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمامی فعالیت‌های اقتصادی است، فرایندهای خلق و ایجاد دانش، فراگیری و اکتساب آن، پخش و اشاعه و کاربرد عملی آن باید به دقت برنامه‌ریزی شود تا بازخورد بین فرایندهای مذکور، پیشرفت اقتصاد دانش‌بنیان را تضمین کند. برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان بایستی شرایط لازم برای ابداع و نوآوری فراهم شود تا توانایی تبدیل ایده‌ها به محصولات از طریق سرمایه‌گذاری به تولید محصولات جدید منجر شود [۳۷]. یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است؛ اساس کار در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان است، زیرا اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون‌زا است، اقتصادی است که در داخل پایه‌های مستحکمی دارد که تکانه‌های بین‌المللی و جهانی و اقتصادی آن را از در نمی‌برد؛ این اقتصاد

جهاد و نظام ارزشی اسلامی و انقلابی نشئت گرفته و پایه‌ریزی شده است [۲۳]. اتخاذ صرف برنامه‌ای اقتصادی بدون عزم لازم و روحیه بالای مدیران، نمی‌تواند قابل تحقق باشد. به بیانی دیگر، مدیریت یک برنامه یا قانون نوشته شده، به اجرای هر چه بهتر و زیباتر آن مفهوم کمک می‌کند. برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز به مدیریتی صحیح و بایسته نیاز بود؛ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی علاوه بر اینکه در زمان مناسب طرح و تبیین شده و در نهایت پس از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام به تأیید رهبری انقلاب اسلامی رسید و توسط ایشان ابلاغ شد، نیاز به نوعی برنامه مدیریتی خاص داشت که آن هم توسط رهبر انقلاب اسلامی در اول فروردین ۱۳۹۳ مورد اشاره و تبیین قرار گرفت [۴۱].

مدیریت جهادی مقوله‌ای است همزاد انقلاب اسلامی که آثار مبارک آن در فرازهایی از دوران دفاع مقدس و خصوصاً نهاد جهاد سازندگی ظهور و بروز پیدا کرده است؛ فرایندی که از ویژگی‌های برجسته آن، ادای تکلیف و هم‌راستایی با اراده الهی در جهت تشکیل، حفظ و تحکیم پایه‌های حکومتی برآمده از اسلام ناب محمدی (ص) بوده است. مهم‌ترین ویژگی آن، ذوب اراده انسان در اراده الهی بوده و البته نماد این امتزاج عاشقانه، فرمانبری آگاهانه از ولی امر یا ولی فقیه زمان است [۲۳]. برنامه مدیریتی مطمح نظر رهبری انقلاب اسلامی همانا مدیریت جهادی بود که خود ایشان ضمن اشاره‌ای کوتاه، ویژگی آن را چنین ذکر می‌کنند: «مدیریت جهادی همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت است» [۱۲]. بخشی از دانش مدیریت را می‌توان از طریق آموزش فرا گرفت و بخش دیگر را ضمن کار باید آموخت. در واقع بخشی که با آموزش فرا گرفته می‌شود علم مدیریت و بخشی که موجب به کار بستن اندوخته‌ها در شرایط گوناگون می‌شود، هنر مدیریت است. مدیریت جهادی را می‌توان از نوع هنر مدیریت دانست. به دیگر سخن علم دانستن و هنر توانستن. مدیریت جهادی هنر توانستن و ارائه طرح و ایده جدیدی بود که با ظهور پدیده انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت [۱۹]. مدیریت جهادی یعنی: علم و هنر رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی، مبتنی بر مبارزه در تمامی عرصه‌های علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... جهت نیل به اهداف راهبردی و کلان یک سیستم و رفع موانعی که در رسیدن به آن وجود دارد. مدیریت جهادی در واقع سبکی برخاسته از تفکر بومی و متناسب با مقتضیات فرهنگی و اجتماعی ایران است. از ویژگی‌های این مدیریت خدمت با نیت الهی، خستگی‌ناپذیری، استقامت در کار، انعطاف‌پذیری، سرعت عمل، ابتکار و خلاقیت، مدیرپروری، شجاعت، مسئولیت‌پذیری همراه با اخلاص و فروتنی است [۱۵].

مدیریت جهادی واجد خصوصیات و ویژگی‌هایی است که می‌تواند در موفقیت سازمان‌ها نقش اساسی ایفا نماید، این ویژگی‌ها در بطن دستورها، توصیه‌ها، نظرها و شیوه‌های بکار گرفته شده توسط پیشوایان دین، حضور و وجود عینی دارد، ولی برای استفاده از آن در سطوح سازمانی و کاربردی کردن آن‌ها در سازمان‌ها، نیاز به کار پیشگامانه و دور از هراس و خود کم‌بینی صاحب‌نظران مدیریت و پژوهش دارد [۳۶].

مقاومتی است، یکی از اساسی‌ترین پایه‌های این اقتصاد عبارت است از اقتصاد دانش‌بنیان؛ اقتصادی که متکی باشد به علم، این خیلی مهم است [۱۲].

- مقابله با دشمن: یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن، از جمله تحریم‌ها و از این چیزها، مقاومت مدبرانه بکند، نه فقط این حربه کند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت، چون این یک گذرگاه است، این یک برهه است، کشور از این برهه عبور خواهد کرد [۱۲]. اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که همراه با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خیانت دشمن [۱۲].

- کار جهادگونه: شعار ۲ سال متوالی ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ بیشتر در ارتباط با تشویق به کار و فعالیت است. شعار «همت مضاعف و کار مضاعف» در سال ۱۳۸۹ و «جهاد اقتصادی» در سال ۱۳۹۰ را نیز می‌توان در ارتباط با تعریف اقتصاد مقاومتی دانست. بر این اساس، افزایش مهارت و بهره‌وری نیروی کار و استفاده بهینه از نیروی کار برای پیشبرد اهداف کشور به عنوان یک جنبه مؤثر از اقتصاد مقاومتی تعریف می‌گردد [۳۴]. ما باید یک اقتصاد مقاومتی واقعی در کشور به وجود بیاوریم. امروز کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم؛ بنده هم یقین دارم. ملت ایران و مسئولین کشور تحریم‌ها را دور می‌زنند. تحریم‌کنندگان را ناکام می‌کنند؛ مثل موارد دیگری که در سال‌های گذشته در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذرخواهی کنند. این دلیلی است برای همه مسئولان و دلسوزان کشور که خود را موظف بدانند، مکلف بدانند به ایجاد کار، به تولید، به کارآفرینی، به پر رونق کردن روزافزون این کارگاه عظیم؛ که کشور ایران حقیقتاً امروز یک کارگاه عظیمی است. همه خودشان را باید موظف بدانند [۱۲].

- استفاده حداکثری از منابع و امکانات: استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات و همچنین حرکت بر اساس برنامه، از جمله ارکان اقتصاد مقاومتی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزء ضربه‌هایی است که به اقتصاد مقاومتی وارد می‌شود و به مقاومت ملت ضربه می‌زند [۱۲].

در این پژوهش برای سنجش اقتصاد مقاومتی از ابعاد تبیین شده توسط مقام معظم رهبری و همچنین مدل محمدی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲) استفاده شده است.

۲-۲ مدیریت جهادی

مدیریت جهادی که شاکله اصلی آن داشتن فرهنگ جهادی است، امروزه به عنوان یک ویژگی منحصربفرد در موفقیت سازمان‌ها نام برده می‌شود. داشتن روحیه و فرهنگ جهادی در مسیر توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور می‌تواند نقش ارزنده‌ای ایفا کند. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، فرهنگ و مدیریت جهادی و شاخصه‌های آن از مفهوم

می‌توان مدیریت جهادی را چنین تعریف نمود: مدیریت جهادی، فرایند به کارگیری همه استعدادهای فردی و بن‌مایه‌های دینی و ویژگی‌های سازمانی مدیر جهادی در راه نیل به هدفی مشخص است. این مدیریت برخاسته از فرهنگ جهادی با شاخص‌های بذل طاقت، تحمل مشقت و صبر بر موانع و مشکلات است و از دو عنصر عقل و علم به همراه الزامات ایمانی نظیر تقوا و اطاعت تقوآمدارانه مبتنی بر رعایت سلسله مراتب، اسوه‌پذیری دینی، تمسک به قرآن، توکل بر خدا و هدف‌گذاری مقدس بهره می‌گیرد که وابسته به شخصیت فردی، دینی و سازمانی مدیر می‌باشد [۴۰]. مدیریت جهادی را می‌توان عمل، فراگرد، پیامد یا حالتی دانست که برای تعالی انسان‌ها پدید می‌آید و این به معنی رشد، متحول کردن، استفاده از فرصت‌ها، برتری بخشیدن یا بالا بردن امور انسانی است. مدیریت جهادی در حکم الگوی مطلوب مدیریتی برای نظام اسلامی است؛ الگویی که توان لازم تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را دارد و واجد آن توانایی‌ها و ارزش‌هایی است که از هر نظام مدیریتی کارآمد اسلامی انتظار می‌رود [۲۵].

۲-۱- ابعاد مدیریت جهادی

با تحلیل محتوای بیانات رهبر معظم انقلاب درباره مدیریت جهادی و همچنین بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با مدیریت جهادی و بخصوص پژوهش‌های محمودزاده و همکاران (۱۳۸۸) و تاج‌آبادی و مشایخی (۱۳۸۸)، ابعاد و مؤلفه‌های آن مشخص می‌شوند.

- احساس مسئولیت: احساس تهدد و مسئولیت شدید در رسیدن به هدف و سرعت در کار یکی از مؤلفه‌های مدیریت جهادی می‌باشد [۳۵]. یک نکته اساسی در اینجا وجود دارد که همه‌ی ما باید به آن توجه کنیم - بنده بیشتر از شما به توجه به این نکته احتیاج دارم؛ همه‌ی شما هم به اقتضای مسئولیت، احتیاج دارید - و آن، احساس تکلیف است؛ اخلاص نیت و عمل برای خداست. این اگر شد، همه‌ی مشکلات حل خواهد شد، همه‌ی راه‌ها گشاده خواهد شد؛ این اگر شد، رحمت الهی و کمک الهی شامل حال خواهد شد؛ «ان تقوا الله يجعل لکم فرقانا» - همین آیاتی که الان تلاوت کردند - این اگر شد، توهم غلط انهمام در مقابل دشمن و تسلط دشمن از بین خواهد رفت. توکل به خدا، ارتباط با خدا - که ناشی از این نیت خالص است - همه‌ی مشکلات را حل می‌کند [۱۲]. واژه مسئولیت و تکلیف و ریشه‌های آن مکرر در قرآن کریم آمده است و مقصود از آن پرسشگری در برابر وظیفه و تکلیف و مؤاخذه و بازخواست نمودن فرد و جامعه می‌باشد. جهاد فرهنگی زمینه‌ساز گسترش مسئولیت‌پذیری است. منشأ ایجاد مسئولیت بطور ریشه‌ای و عمیق از باور حضور خداوند و اعتقاد به معاد و آخرت سرچشمه می‌گیرد نتیجه مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی است که زمینه توسعه و پیشرفت و برقراری عدالت و ساختن جامعه والا و متعالی را فراهم می‌کند (میقانی، ۱۳۸۸).

- رعایت تقوا (متقی بودن): تقوی در حوزه تمایلات و گرایش‌های مدیران جهادی قرار می‌گیرد. مدیر متقی به راحتی با مسائل و مشکلات سازمانی

و اجتماعی درگیر شده و هر روز در تنگناها و سختی‌ها تعادل فکری و روانی خویش را از دست نخواهد داد (محمودزاده و همکاران، ۱۳۸۸). مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه پرهیزگاری، نیت الهی و توکل به خداوند متعال، از لوازم تلاش و حرکت جهادی است، افزودند: چنین تفکر و روحیه‌ای در کارهای علمی، موجب عنایت پروردگار و باز شدن راه‌ها بسوی پیشرفت علمی خواهد شد (دیدار مسئولان و جمعی از محققان جهاد دانشگاهی با رهبر انقلاب، ۱۳۹۳/۳/۱۹). پایه‌ی همه‌ی خیرات در جامعه، تقواست. تقوای فردی؛ یعنی هر کس بین خود و خدا سعی کند از جاده‌ی صلاح و حق تخطی نکند و پا را کج نگذارد. تقوای سیاسی؛ یعنی هر کس که در کار سیاست است، سعی کند با مسائل سیاسی صادقانه و دردمندانه و از روی دلسوزی برخورد کند. تقوای اقتصادی؛ یعنی اگر هر کس برای گذران زندگی و ضمناً آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند [۲۴]. از نتایج و دستاوردهای تقوا می‌توان به تأکید و تمایل به انجام فرائض دینی، شکیبایی در مشکلات، وفاداری به عهد، راستگویی، عدم گرایش به تجملات، حفظ تعادل فکری، روحی و جسمی، اخلاص و انجام کار برای رضای خدا، عفو و بخشندگی، خستگی‌ناپذیری در کارها، برخورد صمیمانه با دیگران، توکل به خداوند در تمام امور اشاره کرد [۳۵].

- تقویت فرهنگ کار: فرهنگ کار عبارت است از: مجموعه ارزش‌ها، باورها و دانش‌های مشترک و پذیرفته‌شده یک گروه کاری در انجام فعالیت‌های معطوف به تولید و یا ایجاد ارزش افزوده [۵۳]. ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به عنوان ارزش اسلامی و ملی با بهره‌گیری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور... یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، به ابتکار و کار احتیاج دارد. با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمی‌شود به اهداف عالی دست پیدا کرد [۱۲]. مدیریت جهادی لازمه پیشرفت اقتصادی کشور و تحقق اقتصاد مقاومتی است که در این راستا باید فرهنگ کار و تلاش و وجدان کاری به تک‌تک افراد جامعه تزریق شود [۵۴]. بطوری که مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند که فرهنگ کار باید در کشور یک جوری باشد که مردم کار را عبادت بدانند؛ هر یک ساعت کار را با شوق بیفزایند در مدت و مقدار کاری که انجام می‌دهند. باید کار کرد. با بیکاری و بی‌میلی به کار و تنبلی و وادادگی، کشور پیش نخواهد رفت [۱۲].

- وجدان کاری: وجدان کاری هم، جزئی از فرهنگ عمومی است که بسیار پسندیده است. وجدان کاری، یعنی افراد یک جامعه، خود را در قبال آن کاری که پذیرفته‌اند متعهد بدانند و نوعی احساس وجدان نسبت به آن داشته باشند و سرهم‌بندی و رفع تکلیف نکنند و آن کار را به صورت کامل انجام دهند. این‌ها از جمله‌ی خلقیات یک ملت است که تأثیرش در زندگی و سرنوشت آن‌ها خیلی زیاد است [۱۲]. تاج‌آبادی و مشایخی (۱۳۸۸) وجدان کاری را به عنوان یکی از نشانه‌ها، شاخص‌ها و معرف‌های مدیر جهادی معرفی می‌نمایند، و معتقدند که سازمان‌ها برای جلوگیری از

مدیریت دانش یک بافت سازمانی برای بدنه دانش در سازمان فراهم می‌کند. بنابراین یک بافت منحصر به فرد برای پایه دانشی سازمان به وجود می‌آورد [۵۰]. بنابراین برای رسیدن به یک مدیریت دانش مؤثر در سازمان به یک درک روشنی از مدیریت دانش، نیاز داریم. همانطور که ویگ^{۱۴} (۱۹۹۷) بیان می‌کند «مدیریت دانش، دانش کاربردی، سیستماتیک، صریح، تجدیدنظر شده، و حساب شده است تا از این طریق اثربخشی دانش‌محور بنگاه را به حداکثر برساند» [۴۴]. اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت دانش نیازمند نگرشی همه‌جانبه و فراگیر به عوامل مختلف سازمانی است. چالش اصلی سازمان‌ها، درک مدیریت دانش و چگونگی پیاده‌سازی آن در قالب یک نظام مدیریت دانش است؛ اما کارکردها و تعاریف نظام مدیریت دانش هنوز نامشخص است [۴۷]. نظام مدیریت دانش، نوعی نظام اطلاعاتی است که از فرایندهای دانش در ایجاد، جمع‌آوری، سازماندهی و انتشار دانش مؤثر حمایت می‌کند. مهم‌ترین ویژگی نظام مدیریت دانش، کیفیت نظام است که معمولاً بر عملکرد آن و بهره‌برداری از منابع تأکید دارد [۳۱].

پرداختن به مقوله دانش و مدیریت دانش از آن جهت مهم و ضروری است که تئوری پردازان بزرگ اقتصادی و تجاری، دانش را به عنوان مزیت رقابت نهایی برای سازمان‌های جدید و کلید پیروزی آن‌ها بیان کرده‌اند و استدلال می‌کنند که دانش تنها منبعی است که مشکل یا حتی غیر ممکن است که تقلید و کپی شود، دانش بیش از هر منبع گران‌بهایی چون منابع مالی، موقعیت بازار و یا فناوری برای سازمان‌ها اهمیت یافته است. زیرا از آن به عنوان منبع اصلی در انجام کارهای سازمان یاد می‌شود [۱۷]. نوناکو (۱۹۹۸) در مقاله‌ای در مجله کسب و کار هاروارد می‌گوید: در اقتصادی که تنها اطمینان موجود، عدم اطمینان است، تنها منبع مطمئن برای ایجاد مزیت رقابتی پایدار، دانش است. مدیریت دانش با تأکید بر اهمیت انسان‌ها و رفتار و فرهنگ کاری آن‌ها به جای تأکید بر فن‌آوری مدیریت اطلاعات، آغاز می‌شود و چارچوب معماری آن از دو بعد اجتماعی و فنی تشکیل شده است. مدیریت دانش هنوز هم در طفولیت قرار دارد و به طور کافی توسعه نیافته است [۴۹]. دو هدف عمده مدیریت دانش عبارتند از: هوشمندانه نمودن، تا سر حد امکان عمل یا فعالیت مؤسسه جهت بقا و موفقیت کلی و نیز، درک و فهم ارزش بهترین دارائی‌های دانشی سازمان یعنی سرمایه‌های انسانی [۱۸]. نوناکو و تاکه‌اوجی معتقدند، مدیریت دانش فراگردی است که طی آن سازمان به ایجاد ارزش از دارائی‌های فکری و دانش‌محور می‌پردازد. اغلب، ایجاد ارزش مستلزم به اشتراک‌گذاری دانش بین کارکنان، بخش‌های سازمانی و یا حتی سایر سازمان‌هاست [۴۳]. نوناکا و تاکه‌اوجی در کتاب معروف خود به نام «شرکت‌های دانش‌آفرین»^{۱۵}، بیان داشته‌اند که «ما معتقدیم که شرکت‌های ژاپنی به علت مهارت و تخصص در «دانش‌آفرینی سازمانی»^{۱۶}

کم‌کاری، عدم احساس مسئولیت، فقدان وظیفه‌شناسی و قائل نشدن ارزش برای زمان، نیازمند مدیران جهادی خواهند بود. وجدان کاری را می‌توان طبق تعریف شورای فرهنگ عمومی کشور، وضعیتی دانست که در آن افراد جامعه، در مشاغل گوناگون سعی دارند تا کارهای محوله را به بهترین وجه و بطور دقیق و کامل و با رعایت اصول بهینه‌سازی انجام دهند [۱۰].

در این پژوهش برای سنجش مدیریت جهادی از مؤلفه‌های فوق که توسط محققان از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شده و همچنین بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در مورد ابعاد مدیریت جهادی، استفاده گردیده است.

۲-۳ مدیریت دانش

توجه به نقش دانش در اقتصاد، موضوع جدیدی نیست، به نحوی که آدام اسمیت^۹ در قرن هجدهم به نقش تخصص در تولید و اقتصاد توجه داشته و فردریک لیست^{۱۰}، تأکید می‌کند که خلق و توزیع دانش به بهبود کارایی در اقتصاد کمک شایان توجهی می‌کند. شومپیتر^{۱۱} به نقش ابداع و نوآوری در پویایی اقتصاد توجه خاصی داشته و گروسمن^{۱۲} نیز با ارائه نظریه جدید در زمینه سرمایه انسانی، برای علم و دانش در رشد بلندمدت اقتصادی نقش عمده‌ای قائل می‌شوند [۵]. از اوایل دهه ۹۰ میلادی سازمان‌ها به ارزش راهبردی دانش به عنوان یک منبع رقابتی و عامل بقای خود پی بردند. خلق دانش جدید از فرایند ماریج دانش و تعامل دانش صریح و دانش ضمنی حاصل می‌گردد. دانش صریح از قبیل قوانین و رویه‌های سازمانی به راحتی قابل دسته‌بندی و انتقال بصورت رسمی و نظام‌مند می‌باشد، اما دانش ضمنی، یعنی دانش شخصی کارکنان که بزرگترین پایگاه دانش هر سازمان است، به راحتی قابل دسته‌بندی و انتقال نمی‌باشد. علت این امر آن است که دسترسی به دانش ضمنی آسان نیست. هدف اصلی سازمان‌ها، پیدا کردن روش‌ها و ابزار برای این مهم می‌باشد [۲۱]. به باور نوناکا^{۱۳} در شرایط ناپایدار امروزی، تنها منبع قابل اتکا برای کسب مزیت رقابتی پایدار، دانش است [۴۸]. از این رو مدیریت دانش به یکی از مهم‌ترین وظایف سازمان‌هایی تبدیل شده که به دنبال بهره‌برداری از این سرمایه ارزشمند خود هستند [۳۸]. مدیریت دانش فرایندی نظام‌مند برای کسب مزایای رقابتی یا دستیابی به اهداف سازمانی است. خود دانش معمولاً در اسناد، فرایندهای اجرایی و معیارها گنجانده می‌شود. از آنجا که دانش منبعی رقابتی تلقی می‌شود سازمان‌های اخذ دانش، ابتکار عمل مدیریت دانش را تعیین، اجرا و تقسیم می‌کنند و از دارائی‌های دانش بهره می‌جویند. این ابتکار عمل‌ها حاصل مدل‌سازی، فرایند تجاری یا بازمهندسی، مدیریت کیفیت و سازمان‌های یادگیری هستند [۴۲].

14- wiig
15- Companies Knowledge Creation
16- Organizational knowledge creation

9- Adam Smith
10- Friedrich List
11- Schumpeter
12- Grossman
13- Nonaka

نتیجه‌گیری می‌کند که اگر تفکر جهادی را اصل قرر دهیم و عوامل و ابزار علمی و فنی در قالب باور مادی پیکر اقتصادی همگی صاحب روح و جان برای زندگی پایدار خواهند شد و موجبات تسهیل و تسریع در اقتصاد مقاومتی را فراهم می‌سازد که نتایج آن در ابعاد اقتصادی تسهیل و تسریع در حصول تولیدات و خدمات و دانش فنی بومی‌سازی شده با هزینه تمام شده کمتر و بازدهی مطلوب خواهد بود، همچنین اشاره می‌کند که اقتصاد مقاومتی زمانی تحقق می‌یابد که مدیریت‌ها جهادی باشد.

سلاجقه و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش و جایگاه سرمایه انسانی و مدیریت دانش در اقتصاد مقاومتی چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که اقتصاد مقاومتی مسیری است که پیمودن آن نیازمند وجود زیرساخت‌های مختلفی از جمله آموزش نیروی انسانی و مدیریت دانش می‌باشد. سرمایه انسانی نوعی نگاهی متعالی به انسان در سازمان و شرکت است. بر اساس این طرز نگاه، انسان در سازمان یعنی دانش، مهارت، استعداد و توانایی که توسط آن‌ها ارزش و ره‌آورد اقتصادی به سازمان عرضه می‌کند. در نتیجه نیروی انسانی و مدیریت دانش را در پیاده سازی اقتصاد مقاومتی مؤثر می‌دانند.

حسین پور و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان رابطه مدیریت جهادی و استراتژی‌های اقتصاد مقاومتی چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که ابعاد مدیریت جهادی (نهادینه‌کردن اخلاق و ارزش‌های دینی، سخت‌کوشی و خستگی‌ناپذیری) در پیش‌بینی اقتصاد مقاومتی تأثیر معنادار دارند، یعنی با افزایش این عوامل، میزان موفقیت اقتصاد مقاومتی نیز افزایش می‌یابد.

بنیادی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر مدیریت جهادی بر استقرار اقتصاد مقاومتی با روش ویکور فازی، چنین نتیجه‌گیری می‌کند که ویژگی‌های فرهنگ جهادی به عنوان مهمترین عامل در استقرار نظام اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

عزیزی‌نژاد و محمودآبادی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین اقتصاد مقاومتی و فرهنگ مدیریت جهادی از دیدگاه هیأت علمی دانشگاه‌ها، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که بین اقتصاد مقاومتی و مدیریت جهادی رابطه مثبت، مستقیم و معنادار وجود دارد.

دنیوی و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی، بیان داشتند که با اجرای راهکارهایی می‌توان به مقابله با کاهش اثرات ناشی از محدودیت‌ها و تحریم‌ها رفت و با تبدیل محدودیت‌ها به فرصت و استفاده از امکانات موجود جهت دستیابی به بازارهای جدید و متنوع، دست یافت. آن‌ها در ادامه به بررسی نقش سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی در بسترسازی و همکاری با شرکت‌های تولیدی و کمک به آن‌ها پرداختند. چرا که به عقیده آن‌ها انعطاف‌پذیر بودن دستورالعمل‌های اجرایی و قوانین حاکم در دوران تحریم می‌تواند به شرکت‌ها این اجازه را بدهد که از توانایی‌های بخش خصوصی در این جهاد اقتصادی استفاده شود و فرهنگ مقاومت می‌تواند نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در برون‌رفت از این دوران متبلور می‌نماید.

به موفقیت نایل آمده‌اند. منظور از دانش‌آفرینی سازمانی، ظرفیت شرکت به عنوان یک مجموعه کل در خلق دانش نوین، نشر آن در همه بخش‌های سازمان و تجسم آن در محصولات، خدمات و سیستم‌هاست. ریشه‌های موفقیت نیز در همین نکته قرار دارد. سازمان نه تنها دانش را مورد «پردازش» قرار می‌دهد، بلکه آن را «خلق» می‌کند. دانش‌آفرینی، مهم‌ترین منبع برتری رقابتی شرکت‌ها در سطح بین‌المللی بوده است [۳۴]. اهمیت مدیریت دانش برای هر سازمان دولتی تا حدی است که مقام معظم رهبری با ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری، که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، کلیه مخاطبان این سیاست‌ها را موظف فرمودند، تا بر اساس زمان‌بندی مشخص برای عملیاتی شدن، آن را اجرا و پیشرفت آن را در فواصل زمانی معین گزارش نمایند. متن اصل ۱۶ از این ابلاغیه بیست و شش‌گانه بدین شرح است: «دانش‌بنیان کردن نظام اداری از طریق به کارگیری اصول مدیریت دانش و یکپارچه‌سازی اطلاعات، با ابتناء بر ارزش‌های اسلامی» [۲۸]. در این پژوهش برای سنجش مدیریت دانش از مدل الگوی عمومی مدیریت دانش نیومن و کنراد (۱۹۹۹) استفاده شده است که شامل چهار بعد به شرح زیر می‌باشد:

خلق دانش: این مرحله در برگزیده فعالیت‌هایی است که با ورود دانش جدید به سیستم مرتبط است و شامل توسعه، کشف و تسخیر دانش است **حفظ و نگهداری دانش:** عبارت است از فعالیت‌هایی که دانش را در سیستم ماندگار می‌کند (نیومن و کنراد، ۱۹۹۹). در این زمینه مهم‌ترین عامل، حافظه سازمانی و حافظه فردی است و آن عبارت است از توانایی سازمان برای حفظ و نگهداری دانش. اگر این دو حافظه سازمانی در کنار هم وجود داشته باشد، یکدیگر را تقویت می‌کند.

به اشتراک‌گذاری دانش: این مرحله اشاره به فعالیت‌هایی دارد که در ارتباط با جریان دانش از بخشی یا شخصی به بخش یا شخص دیگر است و شامل ارتباطات، ترجمه، تبدیل، تفسیر و پالایش دانش می‌شود. به کارگیری دانش: این مرحله شامل فعالیت‌هایی در ارتباط با اجرای دانش در فرآیندهای سازمانی است.

در ادامه به برخی از تحقیقات انجام شده مرتبط اشاره شده است:

در دوره‌های قبلی، کلید اصلی تولید ثروت، مالکیت و دسترسی به سرمایه و منابع طبیعی بود؛ در حالی که امروز، کلید اصلی ثروت، به میزان دسترسی به ایجاد دانش وابسته است. بنابراین، یک دانشکده کوچک با ارائه ایده‌های جدید، می‌تواند میلیاردها دلار درآمد کسب کند. سازمان‌ها برای کامیابی در اقتصاد دانشی، باید مدیریت دانش را پیاده سازند. مدیریت دانش، فرآیند ایجاد ارزش از دارایی‌های نامشهود سازمان است [۵۲].

بشارتی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان نقش مدیریت جهادبنیان در تحقق اقتصاد مقاومتی، به معرفی و بیان تأثیر مدیریت جهادی بر کلیه‌ی عواملی که می‌تواند اقتصاد مقاومتی را محقق سازد، پرداخته است و چنین

- H₁: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با مقابله با دشمن رابطه معنادار وجود دارد.
- H₂: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با مردمی کردن اقتصاد رابطه معنادار وجود دارد.
- H₃: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد دانش‌بنیان رابطه معنادار وجود دارد.
- H₄: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با مدیریت مصرف رابطه معنادار وجود دارد.
- H₅: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با استفاده حداکثری از منابع رابطه معنادار وجود دارد.
- H₆: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با حمایت از تولید ملی رابطه معنادار وجود دارد.
- H₇: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با کار جهادگونه رابطه معنادار وجود دارد.
- H₈: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با کاهش وابستگی به نفت رابطه معنادار وجود دارد.
- H₉: بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با روح خودباوری رابطه معنادار وجود دارد.
- H₁₀: بین مدیریت جهادی و مدیریت دانش رابطه معنادار وجود دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی و از حیث ارتباط بین متغیرهای پژوهش از نوع همبستگی است. روش انجام پژوهش نیز به صورت پیمایشی بوده که از مهم‌ترین مزایای آن قابلیت تعمیم نتایج است. متغیرهای پژوهش عبارتند از: مدیریت دانش و مدیریت جهادی به مثابه متغیر پیش‌بین و اقتصاد مقاومتی به مثابه متغیر ملاک. جامعه آماری پژوهش حاضر، صنعتگران و کارآفرینان شهرک صنعتی پروفیسور هشترودی، واقع در ۵ کیلومتری شهر هشترو و نمونه تحقیق، ۶۰ نفر از این کارآفرینان و صنعتگران بوده است که به علت محدود بودن جامعه آماری، نمونه آماری بصورت تمام شمار انتخاب شده است. هر سه ابزار اندازه‌گیری میان ایشان که دارای مدرک تحصیلی دیپلم، فوق دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند، توزیع شد. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای پژوهش، اطلاعات و یافته‌های مورد نیاز از طریق بهره‌گیری از سه نوع پرسشنامه که ساخته خود محققان است، استفاده شده است.

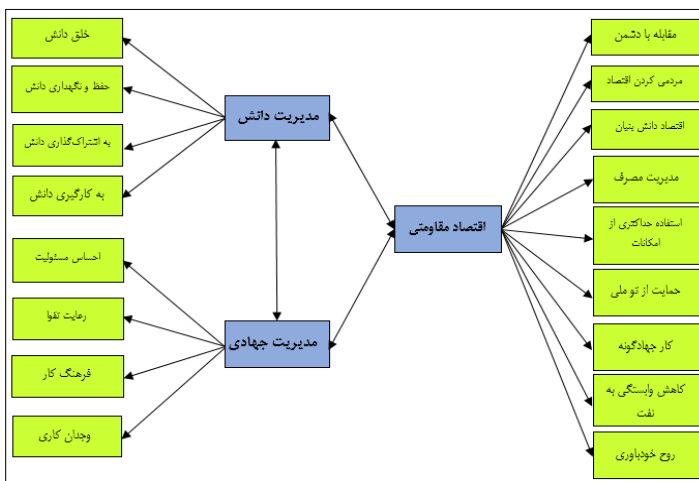
در این پژوهش جهت دستیابی به اعتبار پرسشنامه از روش روایی محتوایی و روایی سازه استفاده شده است. برای اطمینان از صحت روایی محتوایی پرسشنامه، ابتدا با مطالعه ادبیات موضوع و بر اساس شاخص‌های ارائه شده در مدل مفهومی پژوهش، پرسشنامه‌ای مقدماتی تهیه گردید سپس این پرسشنامه توسط افراد صاحب‌نظر و متخصص در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت و سرانجام بعد از دخالت دادن نظرات اصلاحی

محمدی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبتی بین اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش وجود دارد.

با توجه به پیشینه پژوهش، مبنی بر اینکه تاکنون پژوهشی در زمینه بررسی رابطه مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی صورت نگرفته است و پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گرفته است، بیشتر به دنبال تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و مدیریت جهادی بوده‌اند. و همچنین به بررسی رابطه و تأثیر دو متغیر پرداخته‌اند. لذا این پژوهش در این مقطع زمانی و مکانی خود یکی از اولین پژوهش‌هاست.

۳- چارچوب نظری پژوهش

با استفاده از مبانی نظری موجود، محققان برای تبیین رابطه بین متغیرهای پژوهش، مدل مفهومی زیر را طراحی کردند. در این مدل، ابعاد اقتصاد مقاومتی با توجه به بیانات مقام معظم رهبری و مدل محمدی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲)، ابعاد مدیریت دانش با استفاده از مدل نیومن و کنراد (۱۹۹۹) و ابعاد مدیریت جهادی با بررسی بیانات مقام معظم رهبری و پژوهش‌های محمودزاده و همکاران (۱۳۸۸) و تاج‌آبادی و مشایخی (۱۳۸۸) ارائه شده است. این روابط، بر اساس فرضیه‌های پژوهش است، که در ادامه مورد آزمون قرار خواهد گرفت.



شکل (۱): مدل مفهومی پژوهش (منبع: محقق ساخته)

۳-۱ فرضیه‌های اصلی

H₁: بین مدیریت دانش با اقتصاد مقاومتی رابطه معنادار وجود دارد.

H₂: بین مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی رابطه معنادار وجود دارد.

۳-۲ فرضیه‌های فرعی

جدول (۲): مشخصات اعضای نمونه تحقیق

شاخص	مورد	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۵۵	۹۲
	زن	۵	۸
	کل	۶۰	۱۰۰
سن	۲۰ تا ۳۰	۱۹	۳۲
	۳۰ تا ۴۰	۲۹	۴۸
	۴۰ تا ۵۰	۱۰	۱۷
	بیشتر از ۵۰	۲	۳
تحصیلات	دیپلم	۱۹	۳۲
	فوق دیپلم	۲۰	۳۳
	کارشناسی	۱۴	۲۳
	کارشناسی ارشد	۷	۱۲

۲-۵ بررسی فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیات پژوهش از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردید. به عبارت دیگر رابطه میان اقتصاد مقاومتی با مدیریت جهادی و مدیریت دانش و رابطه بین مدیریت جهادی و مدیریت دانش با هم سنجیده شد که نتایج آن بصورت زیر است:

بر اساس نتایج بدست آمده در جدول (۳)، رابطه معنادار بین مدیریت جهادی و مدیریت دانش با اقتصاد مقاومتی تأیید می‌شود. بر این اساس، بین مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی همبستگی بالاتری مشاهده می‌شود. همچنین در میان ابعاد اقتصاد مقاومتی، کار جهادی بالاترین همبستگی و اقتصاد مردمی پایین‌ترین همبستگی را با مدیریت جهادی دارد. از میان ابعاد اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش‌بنیان بالاترین و استفاده از امکانات، پایین‌ترین همبستگی را با مدیریت دانش دارد. بر این اساس فرضیه اصلی تأیید می‌گردد. نتایج جدول (۴)، نیز بیانگر آن است که رابطه مثبت و معناداری بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی وجود دارد ($p < 0.01$).

افراد صاحب نظر پرسشنامه نهایی تهیه و تدوین شد و در اختیار گروه نمونه قرار گرفت. برای بررسی روایی سازه‌ای پرسشنامه و تأیید عامل‌های در نظر گرفته شده، از روش تحلیل عاملی به شیوه چرخش محورهای متعامد (واری-ماکس) برای دستیابی به عامل‌های خالص استفاده شده است. بدین منظور، از شاخص KMO و آزمون کرویت بارتلت استفاده کرده‌ایم. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از آنجاکه مقدار شاخص KMO بیشتر از ۰/۶ است، تعداد نمونه (در اینجا همان تعداد پاسخ‌دهندگان) برای تحلیل عاملی کافی است، همچنین مقدار معناداری (sig) آزمون بارتلت، کوچک‌تر از ۵ درصد است که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مناسب است.

جدول (۱): نتایج آزمون کورویت بارتلت و KMO برای بررسی کفایت

عوامل پرسشنامه

متغیر	KMO	sig
مدیریت دانش	۰/۸۱۲	۰/۰۰۰
مدیریت جهادی	۰/۸۴۶	۰/۰۰۰
اقتصاد مقاومتی	۰/۸۷۵	۰/۰۰۰

برای برآورد پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان پایایی اقتصاد مقاومتی ۰/۸۷۳، مدیریت جهادی ۰/۸۱۴، و مدیریت دانش ۰/۸۵۹ می‌باشد. سپس سه پرسشنامه باهم تلفیق شد و ضریب پایایی ۰/۸۶۲ به دست آمد. با توجه به اینکه ضریب پایایی به دست آمده بالاتر از ۰/۷۰ است، پس با اطمینان می‌توان گفت که ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند. در این پژوهش از روش همبستگی پیرسون که میزان همبستگی و رابطه بین دو متغیر را می‌سنجد. مقدار این ضریب بین ۱- و ۱ تغییر می‌کند که «۱» به معنای همبستگی مثبت کامل، «۰» به معنای نبود همبستگی و «-۱» به معنی همبستگی منفی کامل است. و مدل معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها و تبیین روابط بین متغیرهای موجود استفاده شد. به‌طوری که اقتصاد مقاومتی به عنوان متغیر مستقل، مدیریت جهادی و مدیریت دانش به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است. به این ترتیب فرضیه‌های مطرح شده مورد آزمون قرار گرفت. محاسبات کلی با نرم‌افزار SPSS و LISREL صورت گرفت.

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱ توصیف آماری پژوهش

اطلاعات جامعه آماری مورد پژوهش، در قالب جدول (۲) ارائه شده است:

جدول (۳). ضرایب همبستگی بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی

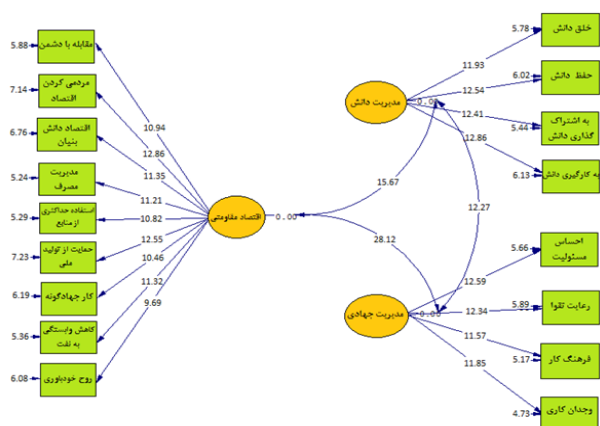
ابعاد اقتصاد مقاومتی											متغیر
روح خودباوری	کاهش وابستگی به نفت	کار جهادی	حمایت از تولید ملی	استفاده از امکانات	مدیریت مصرف	اقتصاد دانش بنیان	اقتصاد مردمی	مقابله با دشمن	اقتصاد مقاومتی	شاخص	
۰/۷۰۴	۰/۶۷۹	۰/۸۶۹	۰/۸۰۱	۰/۷۵۰	۰/۷۱۳	۰/۶۳۴	۰/۵۰۲	۰/۵۷۶	۰/۸۱۴	ضریب همبستگی پیرسون	مدیریت جهادی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۴۴۸	۰/۶۵۸	۰/۶۹۲	۰/۷۱۶	۰/۳۸۶	۰/۴۵۹	۰/۸۷۲	۰/۸۳۶	۰/۴۲۵	۰/۶۸۱	ضریب همبستگی پیرسون	مدیریت دانش
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۶۰											تعداد نمونه

جدول (۴). نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین مدیریت جهادی و مدیریت دانش

متغیر	مدیریت دانش	خلق دانش	حفظ و نگهداری دانش	به اشتراک گذاری دانش	به کارگیری دانش
مدیریت جهادی	۰/۶۴۰	۰/۶۲۳	۰/۶۵۸	۰/۵۹۹	۰/۶۴۶
احساس مسئولیت	۰/۵۸۰	۰/۴۱۴	۰/۵۲۴	۰/۵۲۷	۰/۶۱۱
رعایت تقوا	۰/۵۱۹	۰/۴۲۶	۰/۴۰۷	۰/۴۲۰	۰/۵۳۲
فرهنگ کار	۰/۶۵۲	۵۷۱	۰/۵۴۱	۰/۵۱۳	۰/۶۵۵
وجدان کاری	۰/۶۷۳	۰/۵۰۳	۰/۶۳۶	۰/۵۶۸	۰/۶۷۹

۳-۵ بررسی مدل ساختاری متغیرهای اصلی مدل

برای بررسی روابط بین متغیرها به صورت منسجم کوشش‌های زیادی در دهه اخیر صورت گرفته است. یکی از این روش‌ها برای انجام تحلیل عامل تأییدی، مدل معادلات ساختاری یا متغیرهای مکنون (مشاهده نشده) است. مدلسازی معادلات ساختاری رویکرد آماری جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط بین متغیرهای مشاهده شده و مکنون است که گاه تحلیل ساختاری کوواریانس، مدل‌یابی علی و گاه نیز LISREL نامیده می‌شود، اما اصطلاح غالب در این روزها، مدل‌یابی معادله ساختاری یا بطور خلاصه SEM است. بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل نهایی مدل ساختاری، مدل زیر مدنظر قرار می‌گیرد:



شکل (۲): نمودار T-Value به دست آمده برای مدل ساختار کلی

جدول (۶): میزان مقادیر به دست آمده مدل کلی و مؤلفه‌ها

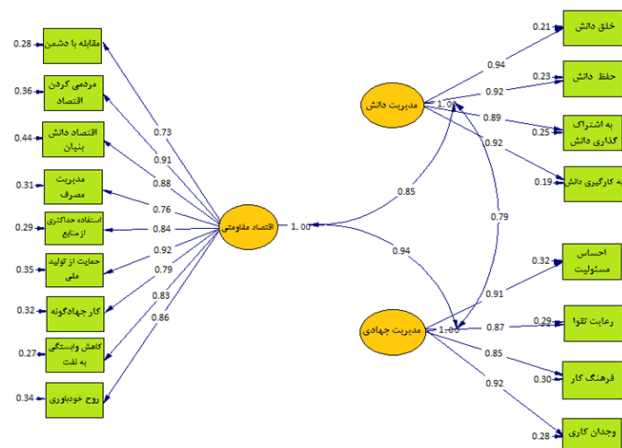
مقدار استاندارد مدل	مقدار تی	مؤلفه‌ها	متغیرهای مورد بررسی
۰/۹۴	۱۱/۹۳	خلق دانش	مدیریت دانش
۰/۹۲	۱۲/۵۴	حفظ دانش	
۰/۸۹	۱۲/۴۱	به اشتراک گذاری دانش	
۰/۹۲	۱۲/۸۶	به کارگیری دانش	
۰/۹۱	۱۲/۵۹	احساس مسئولیت	مدیریت جهادی
۰/۸۷	۱۲/۳۴	رعایت تقوا	
۰/۸۵	۱۱/۵۷	فرهنگ کار	
۰/۹۲	۱۱/۸۵	وجدان کاری	اقتصاد مقاومتی
۰/۷۳	۱۰/۹۴	مقابله با دشمن	
۰/۹۱	۱۲/۸۶	مردمی کردن اقتصاد	
۰/۸۸	۱۱/۳۵	اقتصاد دانش بنیان	
۰/۷۶	۱۱/۲۱	مدیریت مصرف	
۰/۸۴	۱۰/۸۲	استفاده حداکثری از منابع	
۰/۹۲	۱۲/۵۵	حمایت از تولید ملی	
۰/۷۹	۱۰/۴۶	کار جهادگونه	
۰/۸۳	۱۱/۳۲	کاهش وابستگی به نفت	
۰/۸۶	۹/۶۹	روح خودباوری	
۰/۸۵	۱۵/۷۷	مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی	
۰/۹۴	۲۸/۱۲	مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی	
۰/۷۹	۱۲/۲۷	مدیریت دانش و مدیریت جهادی	

نرم‌افزار LISREL، برای هر پارامتر آزاد (برآورد شده) در مدل یک مقدار t محاسبه می‌کند. این آزمون نشان می‌دهد که کدام یک از پارامترها می‌تواند از مدل حذف شود، بدون آن که مقدار χ^2 افزایش یابد. ایده‌آل آن است که این مقادیر کوچک‌تر از ۲/۰ باشند تا بی‌معنا در نظر گرفته شوند. مقدار t بین مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی برابر است با ۱۵/۶۷؛ بین مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی، ۲۸/۱۲ و بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی برابر ۱۲/۲۷ است که مقدار t ، بیشتر از ۲/۰ است؛ بنابراین مدل بر اساس شکل ۲ تأیید می‌شود، ولی اگر مقدار t کمتر از ۲/۰ باشد، مدل تأیید نمی‌شود؛ سازه مورد نظر در سطح خطای ۵ درصد است و سطح خطای یک درصد از نظر آماری معنی‌دار نیست.

جدول نتایج برازش زیر، مدل ساختاری مربوط به بررسی رابطه بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد. بر طبق جدول مذکور و شاخص‌های برازش کلی مدل، برازش مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول (۵): شاخص‌های برازش اندازه‌گیری مدل مربوط به بررسی ارتباط

شاخص برازش	معیار مقبولیت	آماره‌های ارائه شده
χ^2 (Chi Square)	$\chi^2 \leq 3df$	$\chi^2=29/38$, $df=21$
χ^2/df	$\chi^2/df \leq 3$	۱/۳۹
RMSEA	$RMSEA \leq 0.08$	۰/۰۸۲
GFI	$0.90 \leq GFI$	۰/۹۶
AGFI	$0.85 \leq AGFI$	۰/۹۲



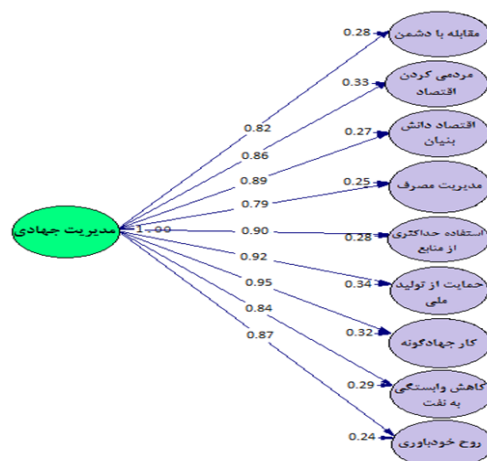
شکل (۳): نمودار مقادیر استاندارد برای مدل ساختار کلی

مقادیر استاندارد مدل در مدل ساختاری، روابط بین متغیرهای اصلی پژوهش را براساس ظرایب استاندارد نشان می‌دهد که در نمودار مد نظر قرار می‌گیرد.

شکل (۴): نتایج آزمون فرضیات فرعی پژوهش با استفاده از مدل‌سازی

معادلات ساختاری

با توجه به نتایج جدول ۷، با توجه به معنادار بودن تمام مقادیر t در سطح اطمینان ۹۵ درصد کلیه فرضیه‌ها تأیید می‌شوند. همچنین اعتبار و برازش هر دو مدل تأیید می‌شود: در هر دو مدل RMSEA کمتر از ۰/۰۸ و نسبت کای دو به درجه آزادی کمتر از ۳ بوده، مقدار GFI بیشتر از ۰/۹۰ و AGFI بیشتر از ۰/۸۵ است.



شکل (۵): نتایج آزمون فرضیات فرعی پژوهش با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

جدول (۷): نتایج آزمون فرضیه‌های فرعی به روش معادلات ساختاری

نتیجه	t-value	R	فرضیه‌ها	مدل
تأیید	۱۰/۲۳	۰/۶۵	مدیریت دانش - مقابله با دشمن	۱
تأیید	۹/۴۵	۰/۴۲	مدیریت دانش - مردمی کردن اقتصاد	
تأیید	۱۲/۶۱	۰/۷۸	مدیریت دانش - اقتصاد دانش بنیان	
تأیید	۹/۹۷	۰/۳۵	مدیریت دانش - مدیریت مصرف	
تأیید	۱۰/۵۶	۰/۵۱	مدیریت دانش - استفاده حداکثری از منابع	
تأیید	۱۱/۲۴	۰/۵۶	مدیریت دانش - حمایت از تولید ملی	
تأیید	۸/۴۷	۰/۳۳	مدیریت دانش - کار جهادگونه	
تأیید	۹/۶۸	۰/۷۴	مدیریت دانش - کاهش وابستگی به نفت	
تأیید	۱۱/۴۱	۰/۳۸	مدیریت دانش - روح خودباوری	
$\chi^2/df=1/57$	RMSEA=۰/۰۹۸	GFI=۰/۹۰	AGFI=۰/۸۸	۲
تأیید	۱۲/۵۸	۰/۸۲	مدیریت جهادی - مقابله با دشمن	
تأیید	۱۲/۹۶	۰/۸۶	مدیریت جهادی - مردمی کردن اقتصاد	
تأیید	۱۱/۴۷	۰/۸۹	مدیریت جهادی - اقتصاد دانش بنیان	
تأیید	۱۰/۲۲	۰/۷۹	مدیریت جهادی - مدیریت مصرف	
تأیید	۱۱/۹۲	۰/۹۰	مدیریت جهادی - استفاده حداکثری از منابع	
تأیید	۹/۸۷	۰/۹۲	مدیریت جهادی - حمایت از تولید ملی	
تأیید	۱۰/۳۵	۰/۹۵	مدیریت جهادی - کار جهادگونه	
تأیید	۸/۵۳	۰/۸۴	مدیریت جهادی - کاهش وابستگی به نفت	
تأیید	۹/۷۱	۰/۸۷	مدیریت جهادی - روح خودباوری	
$\chi^2/df=1/33$	RMSEA=۰/۰۷۵	GFI=۰/۹۵	AGFI=۰/۹۰	

بتواند در مقابل این تحریم‌ها ایستادگی کند. لذا رهبر معظم انقلاب با درایت و تدبیری که داشتند اقتصاد مقاومتی را جهت مقابله با تحریم‌ها مناسب دانسته و از مسئولان نظام خواستند که همه در جهت هرچه بهتر اجرا شدن اقتصاد مقاومتی مشارکت داشته باشند. اقتصاد مقاومتی وقتی

۶- نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در عصر حاضر جهت مقابله با تحریم‌هایی که غرب علیه ایران اجرا کرده است، نیازمند نظام اقتصادی مناسبی بود که

محقق می‌شود که مدیریت‌ها جهادی، و اقتصادمان دانش‌بنیان باشد. مدیریت جهادی و مدیریت دانش می‌توانند در حرکت‌های نوآورانه مؤسسات و گروه‌های دانش‌بنیان پویایی و استمرار بخشند. مدیریت جهادی و مدیریت دانش در عرصه‌های مختلفی چون مدیریت مصرف، اقتصاد دانش‌بنیان، کار جهادگونه، کاهش وابستگی به نفت و ... ایفای نقش می‌نمایند. با توجه به اهمیت مدیریت دانش برای سازمان‌های امروزی که یکی از مهم‌ترین منابع به شمار می‌رود و تأکید مقام معظم رهبری بر دانش‌بنیان کردن نظام اداری و سازمان‌های کشور، می‌توان به اهمیت دانش و مدیریت آن پی برد. با توجه به اهمیت موضوع و خلأ دانشی موجود در این زمینه، محققان بر آن شدند تا پژوهشی را در این خصوص در شهرک صنعتی پروفیسور هشترودی انجام دهند. سؤال اصلی در این پژوهش این بود که آیا بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی رابطه معناری وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش در خصوص رابطه بین اقتصاد مقاومتی با مدیریت جهادی و مدیریت دانش از نظر کارکنان و کارآفرینان شهرک صنعتی پروفیسور هشترودی نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی وجود دارد.

فرضیه اصلی در این پژوهش، به معنادر بودن رابطه‌ی مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد مقاومتی می‌پردازد، نتایج بر آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که این فرضیه مورد تأیید است. میزان رابطه بین مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی برابر با ۰/۶۸۱ و میزان رابطه بین مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی برابر ۰/۸۱۴ (که از آزمون همبستگی پیرسون به‌دست آمده‌اند) می‌باشد. این مقدار وجود رابطه مثبت و معنادار بین این متغیرها را نشان می‌دهد. همچنین با توجه به نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی (I=۰/۸۵) و رابطه بین مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی (I=۰/۹۴)، اثبات شد.

- فرضیه فرعی اول این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با مقابله با دشمن رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و مقابله با دشمن با ضریب ۰/۴۲۵ و بین مدیریت جهادی و مقابله با دشمن با ضریب ۰/۵۷۶ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و مقابله با دشمن (I=۰/۶۵) و رابطه بین مدیریت جهادی و مقابله با دشمن (I=۰/۸۲) اثبات شد.

- فرضیه فرعی دوم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با مردمی کردن اقتصاد رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و مردمی کردن اقتصاد با ضریب ۰/۸۳۶ و بین مدیریت جهادی و مردمی کردن اقتصاد با ضریب ۰/۵۰۲ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و مردمی کردن اقتصاد (I=۰/۴۲) و رابطه بین مدیریت جهادی و مردمی کردن اقتصاد (I=۰/۸۶) اثبات شد.

- فرضیه فرعی سوم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با اقتصاد دانش‌بنیان رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و اقتصاد دانش‌بنیان با ضریب ۰/۸۷۲ و بین مدیریت جهادی و اقتصاد دانش‌بنیان با ضریب ۰/۶۳۴ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و اقتصاد دانش‌بنیان (I=۰/۷۸) و رابطه بین مدیریت جهادی و اقتصاد دانش‌بنیان (I=۰/۸۹) اثبات شد.

- فرضیه فرعی چهارم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با مدیریت مصرف رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و مدیریت مصرف با ضریب ۰/۴۵۹ و بین مدیریت جهادی و مدیریت مصرف با ضریب ۰/۷۱۳ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و مدیریت مصرف (I=۰/۳۵) و رابطه بین مدیریت جهادی و مدیریت مصرف (I=۰/۷۹) اثبات شد.

- فرضیه فرعی پنجم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با استفاده حداکثری از منابع رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و استفاده حداکثری از منابع با ضریب ۰/۳۸۶ و بین مدیریت جهادی و استفاده حداکثری از منابع با ضریب ۰/۷۵۰ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و استفاده حداکثری از منابع (I=۰/۵۱) و رابطه بین مدیریت جهادی و استفاده حداکثری از منابع (I=۰/۹۰) اثبات شد.

- فرضیه فرعی ششم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با حمایت از تولید ملی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و حمایت از تولید ملی با ضریب ۰/۷۱۶ و بین مدیریت جهادی و حمایت از تولید ملی با ضریب ۰/۸۰۱ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و حمایت از تولید ملی (I=۰/۵۶) و رابطه بین مدیریت جهادی و حمایت از تولید ملی (I=۰/۹۲) اثبات شد.

- فرضیه فرعی هفتم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با کار جهادی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و کار جهادی با ضریب ۰/۶۹۲ و بین مدیریت جهادی و کار جهادی با ضریب ۰/۸۶۹ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و کار جهادی (I=۰/۳۳) و رابطه بین مدیریت جهادی و کار جهادی (I=۰/۹۵) اثبات شد.

- فرضیه فرعی هشتم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با کاهش وابستگی به نفت رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و کاهش وابستگی به نفت با ضریب ۰/۶۵۸ و بین مدیریت جهادی و کاهش وابستگی به نفت با ضریب ۰/۶۷۹ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری

کارکنان به معاد و آخرت، ترویج و تقویت فرهنگ کار و تولید، کارآفرینی و برگزاری جلسات آموزشی در این خصوص، تقویت وجدان کاری افراد، بطوریکه کار را به عنوان عبادت و عمل صالح بدانند، احساس مسئولیت کنند، وظیفه‌شناس باشند و تشویق و قدردانی از کارکنان و کارآفرینانی که پایبند و ترویج‌دهنده امور اشاره شده باشند، باعث تقویت رابطه بین مدیریت جهادی و ابعاد اقتصاد مقاومتی بخصوص ابعاد مقابله با دشمن و اقتصاد مردمی که همبستگی متوسطی با مدیریت جهادی داشتند، گردند. در خصوص رابطه بین مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی که دارای رابطه مثبت و معناداری می‌باشند و در مقایسه با مدیریت جهادی همبستگی پایینی با ابعاد اقتصاد مقاومتی دارند، پیشنهاد می‌گردد که با دانش‌بنیان کردن امور، خلق و تولید دانش بومی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و انسانی، اقلیمی، مالی و جغرافیایی موجود در شهرستان، تشویق کارکنان خلاق و نوآور، به اشتراک‌گذاری دانش تولید شده بین واحدهای تولیدی و صنعتی، و از همه مهم‌تر به کارگیری دانش تولید شده، باعث بهبود و تقویت ابعاد اقتصاد مقاومتی بخصوص ابعاد مقابله با دشمن، اقتصاد مردمی، مدیریت مصرف، استفاده از امکانات و روح خودباوری که همبستگی متوسطی را با مدیریت دانش داشتند، گردند. لازم به ذکر است که برای توسعه این پژوهش می‌توان به پیشنهادات زیر توجه نمود:

- برای دسترسی به نتایجی بهتر و با اطمینان بیشتر، باید پژوهش را در جامعه و نمونه‌ای وسیع و در سازمان‌های دیگر انجام داد.
- شاخص‌ها و ویژگی‌های مطرح شده در این پژوهش قابل توسعه است و می‌توان بر جامعیت آن افزود.

منابع و مأخذ

- [۱] آجیلی، هادی، (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی در نظام اقتصاد سیاسی جهانی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۴، صص ۸۷-۱۰۵.
- [۲] ادیب، یوسف، تاجور، آذر، پورطهماسی، سیاوش، (۱۳۹۱)، نقش بسیجیان و پایگاه‌های مقاومت بسیج در اشاعه فرهنگ اقتصاد مقاومتی، فصلنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۷۴، صص ۷۲-۹۸.
- [۳] آزادبخت، محمدحسین، (۱۳۹۱)، حمایت از تولید ملی لازمه قدرت اقتصادی. <http://www.bultannews.com>
- [۴] اسدی، علی، (۱۳۹۳)، نظام اقتصادی اسلامی الگویی کامل برای اقتصاد مقاومتی، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، شماره ۵، صص ۲۵-۳۹.
- [۵] اسفندیاری صفا، خسرو، دهقان، حبیب‌الله، (۱۳۹۵)، مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی)، فصلنامه مدیریت نظامی، سال شانزدهم، شماره ۱، صص ۶۰-۸۴.
- [۶] آشنا، مصطفی، عسگری، ناصر، مرادی صالح، علیرضا، غفوری، داوود، (۱۳۹۲)، نقش فرهنگ سازمانی در تسهیل اقدامات مدیریت دانش، فصلنامه مدیریت فناوری اطلاعات، دوره ۵، شماره ۴، صص ۱-۲۲.
- [۷] اصغری، محمود، (۱۳۹۲)، تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۹۹، صص ۱۳۷-۱۶۰.

رابطه مثبت بین مدیریت دانش و کاهش وابستگی به نفت ($r=0/74$) و رابطه بین مدیریت جهادی و کاهش وابستگی به نفت ($r=0/84$) اثبات شد.

- فرضیه فرعی نهم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با روح خودباوری رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۳، بین مدیریت دانش و روح خودباوری با ضریب $0/448$ و بین مدیریت جهادی و روح خودباوری با ضریب $0/704$ رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتیجه مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و روح خودباوری ($r=0/38$) و رابطه بین مدیریت جهادی و روح خودباوری ($r=0/87$) اثبات شد.

- فرضیه فرعی دهم این است که بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج جدول ۴، بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی با ضریب $0/640$ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری رابطه مثبت بین مدیریت دانش و مدیریت جهادی ($r=0/79$) اثبات شد.

در مقایسه این پژوهش با دیگر پژوهش‌های مشابه، می‌توان بیان کرد که این پژوهش با مطالعه و بررسی بیانات مقام معظم رهبری، مؤلفه‌های مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی را یافته و آن را با تأیید خبرگان، مورد مطالعه قرار داده است. همچنین در این پژوهش به بررسی رابطه سه متغیر، مدیریت جهادی، مدیریت دانش و اقتصاد مقاومتی پرداخته شده که در پژوهش‌های صورت گرفته قبلی بیشتر به بررسی رابطه و اثر دو متغیر پرداخته شده است، لذا این پژوهش در نوع خود کم‌نظیر می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های، محمدی مقدم و همکاران (۱۳۹۲)، دنیوی و همکاران (۱۳۹۳)، بشارتی (۱۳۹۵)، بنیادی (۱۳۹۴)، عزیزی‌نژاد و محمودآبادی (۱۳۹۴)، سلاجقه و همکاران (۱۳۹۵)، حسین‌پور و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد. رابطه بین اقتصاد مقاومتی و مدیریت دانش در پژوهش‌های پیشین تأیید شده است. از سویی فرض محققان این پژوهش، وجود رابطه معنادار بین مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی بود که پس از آزمون مورد تأیید قرار گرفت. مدیریت جهادی، با فراگردهای اصلی احساس مسئولیت، رعایت تقوا، فرهنگ کاری، وجدان کاری، همبستگی بالاتری را با اقتصاد مقاومتی در مقایسه با مدیریت دانش از خود نشان داد. از سویی فرض محققان این پژوهش، وجود رابطه معنادار بین مدیریت جهادی و مدیریت دانش با اقتصاد مقاومتی بود که پس از آزمون، مورد تأیید قرار گرفت.

بر اساس نتایج تحقیق، موارد زیر در سطح شهرک صنعتی پروفوسور هشترودی پیشنهاد می‌گردد:

با توجه به رابطه مثبت میان مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌گردد که کارکنان و کارآفرینان شهرک صنعتی پروفوسور هشترودی، با تقویت مدیریت و فرهنگ جهادی از طریق اهمیت دادن به احساس مسئولیت و تعهد کارکنان، گسترش مسئولیت‌پذیری، رعایت تقوا، پرهیزگاری، و نیت خدایی داشتن در انجام امور، تقویت باور و اعتقاد

- [۱۸] امیری طهرانی زاده، سید محمد رضا، (۱۳۹۴)، مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی، دو فصلنامه علمی- پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۲۳، صص ۳۳-۵۱.
- [۱۹] بشارتی، جلیل، (۱۳۹۵)، نقش مدیریت جهادبنیان در تحقق اقتصاد مقاومتی، دهمین همایش ملی و اولین جشنواره فرهنگ و مدیریت جهادی.
- [۱۰] بنیادی، علی، (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر مدیریت جهادی بر استقرار اقتصاد مقاومتی با روش ویکور فازی، نشریه علمی پژوهشی مدیریت فردا، سال سیزدهم، شماره ۴۴.
- [۱۱] پالوج، مجتبی، نقی پورفر، ولی الله، (۱۳۸۶)، تقویت و توسعه سرمایه های اجتماعی و مشارکت مردمی، تهران: همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.
- [۱۲] پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.
- [۱۳] پیغامی، عادل، (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد دفاعی یا ترمیمی؟ <http://farsi.khamenei.ir>.
- [۱۴] ترابزاده جهرمی، محمدصادق، سجادی، سیدعلیرضا، سمعی نسب، مصطفی، (۱۳۹۲)، بررسی ابعاد و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۳۱-۴۶.
- [۱۵] تولایی، روح الله، شکوهیار، سجاد، (۱۳۹۳)، ارزیابی مؤلفه های مدیریت جهادی بر عملکرد سازمانی با رویکرد کارت امتیازی متوازن، فصلنامه علمی- پژوهشی چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۱۹.
- [۱۶] حشمتی مولایی، حسین، (۱۳۹۴)، ریشه های هنجاری در اقتصاد مقاومتی، فصلنامه روند، سال بیست و دوم، شماره ۷۱، صص ۱۶۹-۱۹۲.
- [۱۷] حیدری، مهدیه، مقیمی، سید محمد، خنیفر، حسین، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل حیاتی موفقیت در پیاده سازی مدیریت دانش، فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت فرهنگ سازمانی، دوره یازدهم، شماره اول، صص ۱۴۹-۱۸۴.
- [۱۸] خیراندیش، مهدی، آتشی، سید حسین، غلامی، مهرداد، (۱۳۹۱)، نقش سرمایه اجتماعی در اثر بخشی مدیریت دانش، فصلنامه علمی- پژوهشی
- [۱۹] دانیالی، تمهینه، موسوی، فروغ السادات، (۱۳۸۶)، شناخت و تبیین مبانی و رویکردهای فرهنگی و مدیریت جهادی، تهران: همایش ملی فرهنگ و مدیریت جهادی.
- [۲۰] دنیوی، سپهرغلام، فخرسادات، علی اکبر، امسیا، المیرا، (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی، اولین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت، حسابداری و علوم اجتماعی، رشت، شرکت کارآفرینان دانشگاهی منطقه آزاد انزلی.
- [۲۱] دهقانی، حسن، (۱۳۹۲)، نقش مدیریت دانش در نوآوری سازمان ها، فصلنامه رشد فناوری، سال دهم، شماره ۳۹.
- [۲۲] رحمان پور، محمد، حسن پور، عصمت، نصر اصفهانی، احمدرضا، (۱۳۹۵)، بررسی برنامه درسی ملی ایران در ارتباط با مؤلفه های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه صاحب نظران، فصلنامه مطالعات ملی، ۶۵، سال هفدهم، شماره ۱.
- [۲۳] رسولی، غلامعلی، ایزدخواه، مجید، گودرزی، محمد و یکتا، علی، (۱۳۹۴)، حماسه مدیریت جهادی و اقتصاد مقاومتی، همایش ملی مدیریت جهادی.
- [۲۴] رضانی، اسماعیل، (۱۳۹۳)، مدیریت جهادی در پرتو مؤلفه های اسلامی، <http://news.ir>.
- [۲۵] سلطانی، محمدرضا، (۱۳۹۳)، مدیریت جهادی، چالشها و الزامات، دو فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۲، صص ۹-۲۳.
- [۲۶] سید نژاد، سیدرضی، سید نژاد، صادق، (۱۳۹۱)، تولید کار و سرمایه ایرانی از نظر آموزه های دینی، قم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی.
- [۲۷] شهبازی، محمدصادق، (۱۳۹۱)، مردمی کردن اقتصاد به چه معناست؟ <http://www.teribon.ir>.
- [۲۸] طباطبایی، سید احمد، (۱۳۹۰)، تبیین سیاستهای کلی نظام اداری کشوری، مبانی نظری و الگوی عملی برای سیاست گذاری، هدف گذاری و برنامه ریزی اجرایی، شرکت فرازما پردازش.
- [۲۹] طباطبایی، فهیمه، معیت، محمد، (۱۳۹۳)، بررسی ابعاد اقتصاد مقاومتی در شهرداری شیراز، فصلنامه آموزشی، پژوهشی و اطلاع رسانی مدیریت شهری نوین، سال دوم شماره چهارم.
- [۳۰] عسگری، علی، (۱۳۹۱)، پنج اصل اقتصاد مقاومتی، سایت <http://menc.ir>.
- [۳۱] فدائی، غلامرضا، حسن زاده، محمد، ذراتی، ماشاء الله، (۱۳۹۰)، بررسی مفهوم نظام مدیریت دانش، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، دوره ۱۷، شماره ۴، صص ۵۵۳-۵۸۰.
- [۳۲] فشاری، مجید، پورغفار، جواد، (۱۳۹۳)، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵، صص ۲۹-۴۰.
- [۳۳] قلی پور، مریم، (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی و اقتصاد دانش بنیان، اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره سوم.
- [۳۴] محمدی مقدم، یوسف، ذوالفقاری، حسین، علی پور، میثم، رسولیان، پریسا، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه اقتصاد مقاومتی، گرایش کارآفرینانه و مدیریت دانش، فصلنامه مدیریت سازمان های دولتی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۲۰.
- [۳۵] محمودزاده، علی، فروزش، اکبر، مرتضوی، مهدی، (۱۳۸۸)، واکاو و بازشناسی فرهنگ و مدیریت جهادی (ویرایش اول)، تهران، ناشر دفتر نماینده ولی فقیه.
- [۳۶] مشایخی، کریم، تاج آبادی، رضا و مرادی نژاد، امیر، (۱۳۸۸)، نقش فرهنگ جهادی در پیشگیری از بروز فساد اداری، تهران: دفتر نشر وزارت جهاد کشاورزی، دفتر نماینده ولی فقیه در وزارت کشاورزی.
- [۳۷] معمار نژاد، عباس، (۱۳۸۴)، اقتصاد دانش بنیان، الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش ها و راهکارها، مجله اقتصاد و تجارت نوین، سال اول، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۹.
- [۳۸] منوریان، عباس، عسگری، ناصر و آشنا، مصطفی، (۱۳۸۶)، ابعاد ساختاری و محتوایی سازمان های دانش محور، اولین کنفرانس ملی مدیریت دانش، سیزدهم و چهاردهم بهمن ماه، مرکز همایش های بین المللی رازی.
- [۳۹] نامه، جامعه، (۱۳۹۲)، تبیین اقتصاد مقاومتی و مؤلفه های کلیدی آن، شماره ۱۰۸. <http://www.hawzah.net>.
- [۴۰] نعمتی پیر علی، دل آرا، (۱۳۹۳)، مدیریت جهادی از منظر قرآن کریم، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۱، صص ۷۳-۹۳.
- [۴۱] هزاوئی، سید مرتضی، زیرکی حیدری، علی، (۱۳۹۳)، اقتصاد مقاومتی، نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی،

- [48] Nonaka, I., (1994), a **Dynamic Theory of Organizational Knowledge Creation**, Organization Science, 5 (1): 134-139.
- [49] Patrick, S. W., Sonia, K. Y., (2009), **The Processes of Knowledge Management in Professional Services Firms in the Construction Industry: a Critical Assessment of both Theory and Practice**, Journal of Knowledge Management, vol. 3, No.2.
- [50] Plessis, M. D., (2007), **The Role of Knowledge Management in Innovation**, journal of Knowledge Management, Vol 11 No 4 ,pp. 20-29.
- [51] Rastogi, P. N., (2000), **Knowledge Management & Intellectual Capital: The New Virtuous Reality of Competitiveness**, Human Systems Management, 19 (1): 39-49.
- [52] Wilcox, L., (1997), **Knowledge Based Systems as an Integrating Process**, Knowledge Management and its Integrative Elements; 1-30.
- [53] www.bashgah.net
- [54] www.rasanews.ir
- [42] Cholip, R., (2008), **Strategy Implementation: The Relationship between Integrated Project Management, KM and Strategic Project Portfolio Performance**, Marshall Goldsmith School of Management Alliant International University.
- [43] Bhatt, G., (2000), **Managing Knowledge through People Knowledge and Process Management**, Journal of Business Transformational, Vol.5 No.3, pp. 165-71.
- [44] Douglass Ch. F., (2008), **Organizational Culture as a Mediating Factor on MS in The Aerospace and Defense Industry**, School of global leadership & entrepreneurship.
- [45] Kessels, J., (2001), **Learning in Organizations: a Corporate Curriculum for Knowledge Economy**, Futures 33.
- [46] Mprison, A., Elizabeth, W., Frances, J., (2000), **Organizational Silence: A Barrier to Change and Development in a Pluralistic World**, Academy of Management Review; 25(4):14-23.
- [47] Markus, M.L., (2001), **Toward a Theory of Knowledge Reuse: Types of Knowledge Reuse Situations and Factors in Reuse Success**, Journal of Management Information Systems, 18 (1), 57-93.